



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت امور اقتصادی و دارایی  
سازمان امور اقتصادی و دارایی آذربایجان شرقی

قانون موافقتنامه بین  
دولت جمهوری اسلامی ایران و  
دولت جمهوری ترکیه به منظور  
اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و  
جلوگیری از فرار مالی در مورد  
مالیاتهای بر درآمد و سرمایه



مرکز خدمات و دبیرخانه ستاد  
سرمایه گذاری آذربایجان شرقی

[www.investin-ea.ir](http://www.investin-ea.ir)



# قانون موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ترکیه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه



مرکز خدمات و دبیرخانه ستاد سرمایه‌گذاری  
آذربایجان شرقی

[www.investin-ea.ir](http://www.investin-ea.ir)

ناشر: مرکز خدمات و دبیرخانه ستاد سرمایه‌گذاری آذربایجان شرقی

طراح و گرافیسیت: سینا معصومی

نوبت و انتشار: نوبت اول، خرداد ۱۳۹۱

چاپ: اعظم

لیتوگرافی: بابک

صحافی: امین

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قطع: رقعی

نشانی: تبریز، مابین پل قاری و زیرگذر صاحب‌الامر، خانه ثقه‌الاسلام، مرکز خدمات و دبیرخانه  
ستاد سرمایه‌گذاری آذربایجان شرقی





قانون موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ترکیه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه

**ماده واحده -** موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ترکیه به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه مشتمل بر بیست و نه ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود. دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ترکیه با تمایل به انعقاد موافقت‌نامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات‌های بر درآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

### ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقت‌نامه

این موافقت‌نامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولت‌های متعاقد یا هر دو آن‌ها باشند.

### ماده ۲ - مالیات‌های موضوع موافقت‌نامه

- ۱ - این موافقت‌نامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه‌ای است که صرف‌نظر از نحوه اخذ آن‌ها، از سوی هر دولت متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آن‌ها وضع می‌گردد.
- ۲ - مالیات بر درآمد و سرمایه عبارتند از کلیه مالیات‌های متعلقه بر

کل درآمد، کل سرمایه یا اجزای درآمد یا سرمایه از جمله مالیات بر درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳ - مالیات‌های موجود مشمول این موافقت‌نامه عبارتند از:

الف - در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد موضوع قانون مالیات‌های مستقیم (که از این پس مالیات جمهوری اسلامی ایران نامیده می‌شود)،

ب - در مورد جمهوری ترکیه (که از این پس «ترکیه» نامیده می‌شود):  
- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر شرکت‌ها،

- عوارض وضع شده بر مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکت‌ها (که از این پس «مالیات ترکیه» نامیده می‌شود).

۴ - این موافقت‌نامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس، مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از امضاء این موافقت‌نامه به آن‌ها اضافه و یا به جای آن‌ها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیت‌دار دولت‌های متعاقد، یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آن‌ها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.



### ماده ۳ - تعاریف کلی

۱ - از لحاظ این موافقت‌نامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

الف -

- اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به قلمرو تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

- اصطلاح «ترکیه» به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری ترکیه اطلاق می‌شود.

ب - اصطلاح «یک دولت متعاهد» و «دولت متعاهد دیگر» بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا ترکیه اطلاق می‌شود.

پ - اصطلاح «مالیات» اطلاق می‌شود به کلیه مالیات‌های موضوع ماده (۲) این موافقت‌نامه.

ت - اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت و سایر انواع اشخاص می‌باشد.

ث - اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر مؤسسه‌ای که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌گردد.

ج - اصطلاح «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاهد می‌باشد.

چ - اصطلاح «تبعه» اطلاق می‌شود به:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.  
- هر شخص حقوقی، مشارکت یا شرکتی که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.

ح - اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می‌گردد، اطلاق می‌شود.

خ - اصطلاح «مقام صلاحیت‌دار» اطلاق می‌شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارائی یا نماینده مجاز او.

- در مورد جمهوری ترکیه، وزیر دارائی یا نماینده مجاز او.

د - اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، وسائط نقلیه هوائی یا جاده‌ای اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه ایرانی یا ترکیه‌ای انجام می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی، وسائط نقلیه هوائی یا جاده‌ای صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در قلمرو جمهوری اسلامی ایران یا ترکیه استفاده شود.

۲ - در اجرای این موافقت‌نامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد،

دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیات‌های موضوع این موافقت‌نامه است، به جز در مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد.





## ماده ۴ - مقیم

۱ - از لحاظ این موافقت‌نامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاهد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد.

۲ - در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:  
الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علائق شخصی و اقتصادی بیش‌تری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنان‌چه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعهده‌ی تلقی خواهد شد که معمولاً در آن‌جا به سر می‌برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر می‌برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچ یک از آن‌ها نباشد، موضوع با توافق مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳ - در صورتی که حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده وی در آن واقع است.

### ماده ۵ - مقر دائم

۱ - از لحاظ این موافقت‌نامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابتی اطلاق می‌شود که از طریق آن، مؤسسه یک دولت متعاقد کلاً یا جزئاً به کسب و کار اشتغال دارد.

۲ - اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر استخراج از منابع طبیعی، و

چ - کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان، ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها بیش از شش ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۳ - علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقر دائم» شامل موارد زیر نخواهد بود:



- الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاها متعلق به مؤسسه.
- ب - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.
- پ - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر.
- ت - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای مؤسسه.
- ث - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
- ج - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آن که فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
- ۴ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۵) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال از لحاظ مفهوم این بند به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

کند، آن مؤسسه در مورد فعالیتهائی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آن که فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۳) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۵ - مؤسسه یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آن که در دولت متعاهد دیگر از طریق حق‌العملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دائم در آن دولت متعاهد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آن که عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع‌ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، از لحاظ مفهوم این بند به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۶ - صرف این که شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاهد دیگر را کنترل می‌کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای این که یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.



## ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگل‌داری)، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲ - اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگل‌داری، انواع مکان‌های ماهی‌گیری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آن‌ها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخائر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها و وسائط نقلیه هوایی به عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳ - مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴ - مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

## ماده ۷ - درآمدهای تجاری

۱ - درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر این که این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد، مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر می شود.

۲ - با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می شود که اگر به صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند.

۳ - در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرائی و هزینه‌های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دائمی یک مؤسسه مستقل می بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آن که در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴ - صرف آن که مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.



۵ - در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقت‌نامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

### ماده ۸ - کشتیرانی، حمل و نقل هوایی و زمینی

درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده‌ای در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

### ماده ۹ - مؤسسات شریک

۱ - در صورتی که:

الف - مؤسسه یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا

ب - اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند، و در هر یک از دو مورد شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲ - در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهائی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، در صورت موجه بودن، تعدیل مناسبی را به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقت‌نامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.





## ماده ۱۰ - سود سهام

۱ - سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعهد به مقیم دولت متعهد دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲ - مع‌ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعهدی که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت‌کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد:

الف - پانزده درصد مبلغ ناخالص سود سهام، در صورتی که دریافت‌کننده شرکتی (به غیر از مشارکت‌ها) باشد که حداقل بیست و پنج درصد سرمایه شرکت پرداخت‌کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد.

ب - بیست درصد مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه سایر موارد را در اختیار داشته باشد.

۳ - اصطلاح «سود سهام» در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسين یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم‌کننده درآمد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴ - منافع شرکت یک دولت متعهد که در دولت متعهد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی دارد، پس از این‌که به موجب ماده

(۷) مشمول مالیات گردید، می‌تواند نسبت به مبلغ باقی‌مانده، در دولت متعاهدی که مقر دائم در آن واقع است و طبق مقررات جزء (الف) بند (۲) مشمول مالیات شود.

۵ - هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۶ - با رعایت بند (۴) ماده (۱۰)، در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاهد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد) و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.



## ماده ۱۱ - هزینه‌های مالی

۱ - هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲ - مع‌ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳ - علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل:

الف - در جمهوری اسلامی ایران و پرداخت شده به دولت ترکیه یا بانک مرکزی ترکیه یا ترکیش اکزیم بانک از مالیات جمهوری اسلامی ایران معاف خواهد بود.

ب - در ترکیه و پرداخت شده به جمهوری اسلامی ایران یا بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا بانک توسعه صادرات از مالیات ترکیه معاف خواهد بود.

۴ - اصطلاح «هزینه‌های مالی» به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آن که دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد.

جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۵ - هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آن‌جا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجری خواهد بود.

۶ - هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، تقسیم فرعی سیاسی آن، مقام محلی، یا فرد مقیم آن دولت باشد. مع‌ذک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دائم باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم حاصل شده است.

۷ - در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آن‌ها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های



مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد، بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات خواهد بود.

## ماده ۱۲ - حق الامتیازها

۱ - حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.  
 ۲ - مع‌ذک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعهده‌ی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیش از ده درصد مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳ - اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلم‌های سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

۴ - هر گاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دائم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آن‌ها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دائم ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۵ - حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلی یا فرد مقیم آن دولت باشد.

مع‌ذلک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقر دائمی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز به نحو مؤثر با آن مقر دائم ارتباط داشته و پرداخت حق الامتیاز بر عهده مقر دائم مذکور باشد حق الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم مزبور در آن واقع است.

۶ - چنان‌چه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آن‌ها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آن‌ها حق الامتیاز پرداخت می‌شود، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیش‌تر باشد،



مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت‌های متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

## ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای

۱ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲ - عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۳ - عواید حاصل از نقل و انتقال کشتی‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

۴ - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲) و (۳) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود. مع‌ذکب عواید سرمایه‌های مذکور در فوق و حاصل از دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر خواهد بود مشروط بر این‌که فاصله زمانی بین تحصیل و نقل و انتقال از یک سال تجاوز ننماید.





## ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل

۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر آن که این شخص به منظور ارائه فعالیت خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲ - اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، وکلای دادگستری، مهندسان، معماران، دندان‌پزشکان و حسابداران می‌باشد.

## ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیرمستقل

۱ - با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰)، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آن که استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آن که:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاقد دیگر به سر برده است از (۱۸۳) روز، در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند و

ب - حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود و

پ - پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.

۳ - علی‌رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق‌الزحمه حاصل در ارتباط با استخدام در کشتی، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.



## ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

## ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران

۱ - درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) آن درآمد مشمول مالیات دولت متعهده می‌شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد.

۳ - مقررات بندهای (۱) و (۲) در مورد درآمدی که هنرمندان یا ورزشکاران بابت فعالیت‌های ارائه شده در یک دولت متعاقد تحصیل می‌نمایند جاری نخواهد بود، مشروط بر این که هزینه بازدید از آن دولت کاملاً یا عمدتاً از اعتبارات عمومی آن دولت متعاقد دیگر، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن تأمین شود.

## ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی

۱ - با رعایت مفاد بند (۱) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود. این مقررات برای مستمری‌های سالانه مادام‌العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد نیز به کار می‌رود.

۲ - حقوق بازنشستگی، مستمری‌های سالانه مادام‌العمر و سایر پرداخت‌های ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاهد تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن بابت بیمه حوادث شخصی، فقط می‌تواند در آن دولت مشمول مالیات شود.

## ماده ۱۹ - خدمات دولتی

۱ - حق‌الزحمه از جمله حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده یک دولت متعاهد، تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به هر شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام مربوطه در قبال کارهایی که ماهیتاً دولتی می‌باشند فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۲ - در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در رابطه با فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاهد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) مجری خواهد بود.



## ماده ۲۰ - مدرسین و محصلین

۱ - وجوهی که محصل یا کارآموزی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آن که پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲ - همچنین، حق الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و به منظور اولیه تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، از مالیات آن دولت دیگر بر حق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود، مشروط بر آن که پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شوند. مفاد این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص به خصوصی انجام می‌شود، مجری نخواهد بود.

## ماده ۲۱ - سایر درآمدها

اقدام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقت‌نامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

## ماده ۲۲ - سرمایه

۱ - سرمایه متشکل از اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر واقع شده مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲ - سرمایه متشکل از اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائمی که مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می‌باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۳ - سرمایه متشکل از کشتی‌ها، وسائط نقلیه هوایی و جاده‌ای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها، وسائط نقلیه هوایی و جاده‌ای فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده مؤسسه در آن واقع است.

۴ - کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.



## ماده ۲۳ - آیین حذف مالیات مضاعف

۱ - در صورتی که مقیم یک دولت متعهد درآمندی حاصل کند یا سرمایه‌ای داشته باشد که طبق مقررات این موافقت‌نامه مشمول مالیات دولت متعهد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود.

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

مع‌ذلک در هر یک از دو مورد، این‌گونه کسور نباید از میزان مالیات بر درآمد و سرمایه‌ای که پیش از کسر، حسب مورد به درآمد یا سرمایه‌ای که در آن دولت دیگر تعلق می‌گرفته، بیش‌تر باشد.

۲ - در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقت‌نامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعهد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی‌مانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

## ماده ۲۴ - عدم تبعیض

۱ - اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲ - با رعایت مقررات بند (۴) ماده (۱۰)، مالیاتی که از مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر اخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت‌ها را انجام می‌دهند نامساعدتر باشد.

۳ - مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آن‌ها کلاً یا جزئاً، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در دولت نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴ - این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسئولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص مقیم دولت متعاهد دیگر نیز اعطاء کند.





## ماده ۲۵ - تبادل اطلاعات

۱ - مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقت‌نامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیرمغایر با این موافقت‌نامه را که مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه باشد، مبادله خواهند کرد. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاه‌ها و مراجع اداری که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پی‌گیری اشتغال دارند، یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقت‌نامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آن‌ها می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاه‌ها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲ - مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاهد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.



## ماده ۲۶ - آیین توافق دوجانبه

۱ - در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقت‌نامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین ملی دولت‌های مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیت‌دار دولت متعاقدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیت‌دار دولت متعاقدی که تبعه آن است تسلیم نماید. اعتراض باید ظرف مدت تعیین شده در قوانین داخلی دولت‌های متعاقد تسلیم شود.

۲ - اگر مقام صلاحیت‌دار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه‌حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقت‌نامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیت‌دار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. هر توافقی که حاصل شود ظرف مدت تعیین شده در قوانین داخلی دولت‌های متعاقد، اجرا خواهد شد.

۳ - مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقت‌نامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقت‌نامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴ - مقامات صلاحیت‌دار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. در صورتی که به منظور نیل به توافق، تبادل شفاهی نظریات توصیه شود، چنین تبدالی می‌تواند از طریق کمیسیونی متشکل از نمایندگان مقامات صلاحیت‌دار دولت‌های متعاقد انجام شود.

## ماده ۲۷ - اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقت‌نامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقت‌نامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.



## ماده ۲۸ - لازم‌الاجراءشدن

- ۱ - دولت‌های متعاقد این موافقت‌نامه را تصویب و اسناد تصویب را در اسرع وقت مبادله خواهند کرد.
- ۲ - این موافقت‌نامه با مبادله اسناد تصویب، قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:
  - الف - در مورد مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقت‌نامه لازم‌الاجراء می‌گردد، حاصل می‌شود.
  - ب - در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد و سرمایه، به آن گونه از مالیات‌های متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی‌ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقت‌نامه لازم‌الاجراء می‌گردد، شروع می‌شود.

## ماده ۲۹ - فسخ

این موافقت‌نامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ نشده لازم‌الاجراء خواهد بود. هر یک از دولت‌های متعاقد می‌تواند این موافقت‌نامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقت‌نامه لازم‌الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقت‌نامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - نسبت به مالیات‌های تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می‌شود.

ب - در مورد سایر مالیات‌های بر درآمد و سرمایه به آن گونه از مالیات‌های متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی‌ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می‌شود.

امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می‌باشند، این موافقت‌نامه را امضاء نمودند.

این موافقت‌نامه در تهران در دو نسخه در تاریخ ۱۳۸۱،۳،۲۷ هجری شمسی برابر با ۱۷ ژوئن ۲۰۰۲ میلادی به زبان‌های فارسی، ترکی و انگلیسی تنظیم گردید. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران جمهوری ترکیه قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقت‌نامه شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخه بیست و سوم دی ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و نظر شورای نگهبان در مهلت مقرر موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واصل نگردید.